

بررسی اثربخشی معنویت درمانی بر دلزدگی زنان در آستانه طلاق در شهر گرگان

رحمان بردی اوزونی دوجی^۱، علیرضا همایونی^۲، فاطمه سادات سیدالحسینی^۳

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر گز

^۳ کارشناس ارشد مشاوره خانواده دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر گز

چکیده

این پژوهش حاضر بررسی اثربخشی معنویت درمانی بر دلزدگی زنان در آستانه طلاق در شهر گرگان را مورد توجه قرار داده است. این تحقیق از نوع تحقیقات نیمه آزمایشی است در این تحقیق از نمونه‌ها پیش آزمون و پس آزمون استفاده شده است و دو گروه نمونه کنترل و آزمایش که ۲۰ نفر از زنان متأهل در هر گروه که برای طلاق به مراکز مشاوره دادگستری گرگان تعیین شده است در این تحقیق از پرسشنامه‌های پرسشنامه میزان بی‌ثباتی ازدواج (احتمال طلاق)، مقیاس دلزدگی زناشویی CMB برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد معنویت درمانی تاثیر مثبت و معناداری بر دلزدگی زوجین در آستانه طلاق است.

واژه‌های کلیدی: معنویت درمانی، دلزدگی زناشویی، تعهد زناشویی، حل تعارضات زوجین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه و بیان مساله

ازدواج به عنوان هیجان انگیزترین و پراسترس ترین رویداد مهم برای زندگی هر انسانی قلمداد میشود. با ازدواج افراد نشان میدهند که در فرایند رشد خود قدمی به جلو گذاشته اند. داشتن زندگی رضایتمند یکی از پیش نیازهای رسیدن به آرامش و تکامل انسان است (اعتمادی، ۱۳۹۴). سیر صعودی آمار طلاق و وجود تعارضات و آشفتگی های روابط زوجین، انگیزه محققان برای یافتن عوامل مؤثر و راهکارهای مناسب جهت مقابله با این فروپاشی رابطه را افزایش داده است. یکی از این آشفتگیها و ناپهنجاریهای روانشناختی که به مرور زمان عشق و علاقه بین زوجین را کمرنگتر کرده و گاهی به طور کامل محو میکند و موجبات مشکلات روحی و روانی، ادامه روابط سرد و بیتفاوتی (طلاق عاطفی) و طلاق رسمی آنها را فراهم میکند، دلزدگی زناشویی است (جاویدی و همکاران، ۱۳۹۲) مفهوم دلزدگی زناشویی، مفهومی ایستا و ثابت نیست و اکثر زوجها در زندگی مشترک خود، تغییرات جزئی را در میزان رضایتمندی تجربه میکنند و در نتیجه آن همواره ناگزیرند خود را فعالانه با جنبه های گوناگون و تغییرپذیر فیزیکی، اجتماعی و روانی محیط خود سازگار کنند (بلقان آبادی، ۱۳۹۰). دلزدگی عبارت است از، از پا افتادن جسمی، روانی و عاطفی که از عدم بین توقعات و واقعیتها ناشی میشود. دلزدگی با علائمی از قبیل از پا افتادن جسمی نشانگانی مانند احساس خستگی، کسالت، بیحالی، سردردهای مزمن، دردهای شکمی، کم اشتها و پر خوری را به دنبال دارد. از پا افتادن عاطفی با نشانگانی از قبیل احساس آزدگی، عدم تمایل به حل مشکلات، ناامیدی، غمگینی، احساس تهی بودن، بی معنایی، افسردگی، احساس بیکسی، احساس بیانگیزگی، در دام افتادگی، بیهودگی آشفتگی عاطفی و حتی انگیزه های خودکشی مشخص می شود (اعتمادی، ۱۳۹۴)

امروزه جایگاه تعهد در روابط زناشویی به دلیل افزایش روزافزون آمار خیانتها و طلاق، در مطالعات خانواده و ازدواج بسیار با اهمیت تشخیص داده شده است. از آنجاکه تعهد سازه ای مهم در زندگی زناشویی محسوب می شود و کارکرد مهمی در حفظ، پایداری و سلامت ازدواج دارد و فقدان آن سبب گسستگی پیمان زناشویی و متزلزل شدن بنیان خانواده می گردد و در نهایت پدیده ی طلاق را به دنبال خواهد داشت، لذا جهت افزایش میزان تعهد زوجها، شناخت صحیح این سازه ی مهم و عوامل مؤثر بر حفظ و تداوم آن ضرورت دارد (فلاح زاده، ؛ ثنائی ذاکر، ۱۳۹۱).

بر اساس آمار های ارائه شده از سوی اداره ثبت احوال از ۱۷۴ هزار واقعه طلاق در سال ۹۵ به ثبت رسیده که نسبت به سال ۹۴ بیانگر افزایش ۶ درصدی است. در این میان، طول مدت زندگی مشترک این زوجها یکی از مولفه های مهم در آسیب شناسی این اتفاق است. به گفته رئیس سازمان بهزیستی کشور، ۴۷ درصد از جدایی ها در پنج سال اول ازدواج رخ داده است اما میانگین طول زندگی مشترک در زوجینی که با طلاق

مواجه شده‌اند در ایران ۸,۳ سال است. آمار دیگری هم نشان می‌دهد دوام زندگی ۶۰ درصد طلاق‌های ثبت شده، کمتر از پنج سال بوده که از این مقدار ۱۳ درصد آن طول زندگی مشترک‌شان به یک سال هم نکشیده است. اما نکته عجیبی که در آمارهای ارائه شده از سوی مسئولان وجود دارد تعداد بالای طلاق در سنین بالاست به طوری که ۳۰ درصد از ازدواج‌هایی که ۳۰ سال از زندگی مشترک‌شان گذشته است با طلاق مواجه شده‌اند. (دشت بزرگی، سواری، صفرزاده، ۱۳۹۵)

یکی از روش‌هایی که می‌تواند در کاهش این آمارها و همچنین به پیوند روابط خانوادگی و زوجین می‌تواند بصورت اثر بخش کمک کند معنویت درمانی است. اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان، در چند دهه‌ی گذشته به صورتی روزافزون توجه روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است. پیشرفت علم روان‌شناسی از یک سو و ماهیت پویا و پیچیده‌ی جوامع نوین از سوی دیگر، باعث شده است که نیازهای معنوی بشر در برابر خواسته‌ها و نیازهای مادی قد علم کرده و اهمیت بیشتری بیابند. چنین به نظر می‌رسد که مردم جهان، امروزه بیش از پیش به معنویت و مسایل معنوی گرایش دارند و روان‌شناسان و روان‌پزشکان نیز به طور روزافزون درمی‌یابند که استفاده از روش‌های سنتی و ساده برای درمان اختلالات روانی کافی نیست. در حقیقت، افراد باورهای مذهبی خود را پشت در افاق درمان نمی‌گذارند و باورها، ارزش‌ها، تجربیات، روابط و حتی کشمکش‌های معنوی همیشه با آنها است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۲).

از دیرباز رابطه‌ی مذهب و روان‌شناسی همواره جنجال‌آفرین بوده است. عده‌ای از روان‌شناسان مانند فروید و اسکینر ارزش معنویت و مذهب را زیر سؤال برده و حتی آن را مضر دانسته‌اند (آماتو، هامانن، ۲۰۰۷). فروید نگرشی بی‌اعتنا به معنویت و تجربه‌های معنوی داشته و دین را نشانه‌ی روان‌آزردگی می‌داند. او نیاز نوع بشر به مذهب را به تجربه‌های اولیه‌ی دوران کودکی مربوط می‌داند که از درماندگی طفل و در نتیجه ابراز نیاز و علاقه‌ی او به پدر نشأت می‌گیرد و این رابطه‌ای غیر قابل انکار است. فروید، مذهب را به عنوان ارایه‌کننده‌ی توجیهاتی دروغین برای ابهامات زندگی تلقی نموده که خداوند بخشنده، نقش پدر را ایفا می‌کند و مردم می‌توانند هنگام دعا از او حاجت بطلبند (بوک ول و همکاران، ۲۰۰۵). رفتاردرمانی برخاسته از نظر اسکینر نیز اختلالات زندگی افراد را ناشی از یادگیری دانسته و به همین دلیل یادگیری‌زدایی را در اصلاح آنها موثر می‌داند. رفتاردرمانی به جای تمرکز بر فرایندهای درونی مانند رویاها، تخیلات و تکانه‌ها بر رفتار قابل مشاهده‌ی انسان و نحوه‌ی تغییر آن تمرکز دارد. به همین دلیل روان‌معتقد است که رویکردهای رفتاری کمتر می‌توانند در زمینه‌ی معنویت، سخنی داشته باشند (دشت بزرگی و همکاران، ۱۳۹۵). در مقابل برخی افراد مانند یونگ راجرز و فرانکل نگرش مثبتی به مذهب داشته و حتی آن را در رویکرد درمانی

خود وارد کرده‌اند. یونگ با تایید واقعیت روانی نیاز معنوی و مذهبی در انسان، معتقد است که رنج هر فرد روان‌رنجور را در نهایت می‌باید رنجی برای روح او به شمار آورد که هنوز معنای خود را در نیافته است. یونگ بر خلاف فروید، تجربه‌های معنوی و مذهبی را به عنوان جنبه‌های بالقوه سالم از هستی انسان در نظر می‌گیرد. وی معتقد است خداوند یک کهن‌الگو بوده و تجلی عمیق‌ترین سطح ذهن ناهوشیار (ناهوشیار جمعی) است. این شکل کهن‌الگویی از خدا به عنوان یک واقعیت روانی و به مثابه‌ی بعدی فعال در درون زندگی روانی می‌باشد (آماتو و هومان، ۲۰۰۷).

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که آموزش زوج‌درمانی اسلام‌محور تعهد زناشویی زوجین شهر اراک را افزایش داده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که آموزش زوج‌درمانی اسلام‌محور، ابعاد تعهد زناشویی (تعهد شخصی زوجین، تعهد اخلاقی و تعهد ساختاری) زوجین شهر اراک را افزایش داده است همچنین نتایج این پژوهش با یافته‌های حیرت‌مبنی بر اینکه زوج‌درمانی اسلام‌محور، سازگاری زناشویی و خوش‌بینی زوجین و ابعاد آنها را بهبود بخشیده است و نیز با یافته‌های دانش که استفاده از روش نعنویت درمانی سازگاری زناشویی زوج‌های ناسازگار را افزایش داده و توانسته اختلاف‌های بین آنها را از بین ببرد، همسوست (سودانی و همکاران، ۱۳۹۱). یافته‌های فقیهی و رفیعی مقدم نیز نشان می‌دهد که آموزش‌های روان‌شناختی مبتنی بر روایات اسلامی در بهبود روابط همسران و در نتیجه، رضایت زناشویی آنها مؤثر است. خدایاری فرد نیز در پژوهشی با عنوان «کاربرد مثبت‌نگری در روان‌درمانگری با تأکید بر دیدگاه اسلامی» به این نتیجه رسیده که مداخله‌های مبتنی بر تقویت برداشت‌های مثبت شخصی می‌تواند به افزایش توصیف‌های مثبت فرد از خود بینجامد و نتیجه این برداشت، سازگاری مؤثرتر و رفتار بهتر می‌تواند باشد. از مطالعات در مورد مذهب، این نتیجه به دست می‌آید که حضور قلب و ایمان در زندگی روزانه، نقش مهمی دارد. به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، عالی‌ترین وحدت و یک‌پارچگی در اخلاق مذهبی بوده و متعالی‌ترین معنا را به زندگی می‌دهد (اعتمادی، ۱۳۹۴).

تحقیقات ریبک، و گسلین و کاپلان نیز نشان می‌دهد که آموزش‌های دینی در محیط مذهبی خانواده، آثار دراز مدتی بر تک تک اعضای خانواده و همچنین بر تمام جنبه‌های زندگی اشخاص داشته است. کورتیس و الیسون در مطالعات خود از مشارکت مذهبی زوجین، نشان داده‌اند که هر چه میزان زمان سپری‌شده زوجین در انجام عبادت‌ها بیشتر باشد، افزایش تعهد خانوادگی و نیز کاهش منازعات زناشویی را در پی داشته و رضایت‌مندی زناشویی بیشتری را تجربه خواهند کرد. جمالی نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافته که رابطه معناداری بین نگرش‌های مذهبی و احساس معنابخش بودن زندگی، وجود دارد. به گفته گلن و ویور شکستن تعهد زناشویی در افرادی که از لحاظ اعتقادات مذهبی ضعیف هستند، مشاهده

می‌شود(دانش ، ۱۳۹۰) لذا بر این اساس ضروری به نظر می‌رسد تا با روشهای معنویت درمانی راه حل‌های ممکن را برای فائق آمدن بر مشکلات زناشویی و جلوگیری از طلاق و فروپاشی بنیان خانواده جلوگیری کرد. بر این اساس پژوهش حاضر میزان اثربخشی زوج درمانی معنوی را بر دلزدگی و تعهد زناشویی و حل تعارضات زوجین رامورد آزمون قرار می‌دهد. بنابراین مساله اصلی و اساسی پژوهش حاضر این است که آیا کاربرد معنویت درمانی بر دلزدگی زنان در آستان طلاق موثر است؟

مبانی پژوهشی

پژوهش توسط در سالکرمی ، پیری کامرانی و کریمی (۱۳۹۴) با هدف اثربخشی آموزش معنویت درمانی بر سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر انجام شد روش پژوهش، آزمایشی با طرح پیش آزمون، پس آزمون با گروه کنترل، و جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه دانشجویان دختر دانشکده فنی سما کرمانشاه بود که از میان آنها نمونه‌ای به حجم ۱۲۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی نتایج نشان داد که متغیر وابسته در گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل، ارتقاء معناداری داشته است و از یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که آموزش معنویت درمانی در افزایش سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر موثر بوده است.

دهقانی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق «اثربخشی آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای بر دلزدگی زناشویی و کیفیت زندگی زوجین» نشان داد که آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای موجب کاهش دلزدگی زناشویی و افزایش کیفیت زندگی شده است.

نتایج تگریان ، ندا (۱۳۸۸) با عنوان «بررسی اثربخشی آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای مذهب محور بر میزان عشق و علاقه، احترام به همسر و رضایت زناشویی» نشان داد که میزان عشق و علاقه، احترام به همسر و رضایت زناشویی در گروه آزمایش، به گونه‌ای معنادار، بالاتر از پیش آزمون و گروه کنترل بوده است.

کریمیان و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود که به بررسی رابطه ابعاد سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل می‌پرداخت، با استفاده از روش رگرسیون نشان داد که متغیرهای احساس گناه و اضطراب پیش بینی کننده‌های میزان تعهد زناشویی در افراد متأهل است. هم چنین بین زنان و مردان از نظر تعهد زناشویی تفاوت معنی داری به دست نیامد.

در پژوهشی توسط غلامی و بشلیده (۱۳۹۰) با هدف تعیین اثر بخشی روش معنویت درمانی بر سلامت روان زنان مطلقه‌انجام شده است. این پژوهش از نوع تحقیق آزمایشی با گروه‌های گواه و آزمایش است. جامعه آماری کلیه زنان مطلقه شهرستان لامرد بودند که از طریق فراخوان دعوت شده بودند تا برای شرکت در

کلاسهای آموزشی به هسته مشاوره و شبکه های بهداشت شهرستان مراجعه کنند. برای نمونه گیری، با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی ساده، پس از گرفتن تعهد جهت مشارکت و ادامه تا آخرین جلسه تحقیق، از بین متقاضیان ۳۰ نفر انتخاب شده، به طور تصادفی به دو گروه آزمایش و کنترل تقسیم شدند. ابتدا دو گروه پرسشنامه سلامت عمومی گلدبرگ و هیلر را تکمیل کردند. سپس برای گروه آزمایش ۸ جلسه معنویت درمانی اجرا شد. یافته ها نشان داد که معنویت درمانی بر سلامت عمومی زنان مطلقه تاثیر گذاشته و باعث کاهش علائم جسمانی، اضطراب و اختلال خواب شده اما بر اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی تاثیر نداشت. معنویت درمانی روش مناسبی جهت افزایش سلامت روان زنان مطلقه است. با علم به شیوع بالای طلاق و تبعات روانی آن پیشنهاد می شود از این روش برای درمان و کاهش پی آمدهای روحی روانی طلاق و نیز سایر عوارض وابسته به آن استفاده شود.

پژوهش پوچالسکی و همکاران، (۲۰۱۴) نشان داد که با افزایش ابعاد معنوی در افراد سالمند، فرایند التیام و بهبود مشکلات جسمی و روانشناختی در این افراد افزایش میابد و همچنین نتایج شان داد که معنویت درمانی میتواند به عنوان یک رویکرد درمانی مؤثر جهت کاهش فراوانی عاظم روانشناختی و جسمی در بیماران سالمند مورد استفاده قرار گیرد.

در پژوهشی که لامبرت و دولاهیت (۲۰۰۸) به منظور بررسی تعهد زناشویی زوجین مذهبی انجام دادند زوج ها گزارش کردند که باورها و اعمال مذهبی به آنها کمک کرده تا خدا را به عنوان شریکشان در ازدواج خویش شامل کنند، به ازدواج به عنوان یک نهاد مذهبی که دوام دارد اعتقاد داشته و در تعهد نسبت به ازدواج معنا پیدا کنند.

جودی (۲۰۰۶) در تحقیق خود سازه های حسادت، تعهد و سبک دلبستگی رومانیک را در نمونه ای از ۳۷۲ دانشجوی بررسی کرد، نتایج حاصل از تحلیل داده ها یک رابطه مثبت معنی دار بین دلبستگی ایمن و تعهد کلی را آشکار ساخت و یک رابطه منفی و معنی دار نیز بین سبک دلبستگی اجتنابی و تعهد کلی تأیید گردید.

کوهان و کلینباوم (۲۰۰۲) براساس یافته ای پژوهشی خود، تعهد زناشویی پایین را مهم ترین عامل بروز طلاق معرفی کردند. هم چنین رزن - گاردان و همکاران (۲۰۰۴) نیز در یک بررسی بر روی ویژگی های

^۱ - Cohan C.L & Kleinbaum

^۲ - Rosen- Garandon Et Al

زوج هایی که بیش از ۴۵ سال از ازدواجشان گذشته بود، دریافتند که اکثریت این زوج ها به همسر و ازدواج شان متعهد بودند و رضایت زناشویی خویش را به مؤلفه تعهد اسناد می دادند.

نتایج پژوهش کالیفوردا (۲۰۰۲) نشان داد که مذهب و معنویت در کمک به پیشگیری، تسریع بهبودی و پرورش شکیبایی و آرامش، در مواجهه با بیماریهای روانپزشکی از جمله افسردگی مؤثر بوده است. همچنین این روش باعث افزایش سلامت روان و بهبود عملکرد جسمانی و عملکرد اجتماعی و کاهش اضطراب و افسردگی در افراد شده است.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات شبه آزمایشی است در این تحقیق از نمونه ها پیش آزمون و پس آزمون گرفته می شود و نهایت نتایج بعد از آموزش مقایسه می شود. همچنین در این تحقیق از مطالعات کتابخانه ای جهت جمع آوری ادبیات تحقیق و مبانی نظری استفاده شده است.

ابتدا برا شناسای افراد در استانه طلاق از پرسشنامه میزان بی ثباتی ازدواج (احتمال طلاق) استفاده شده است این تحقیق به لحاظ روش شبه آزمایشی می باشد که با طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل اجرا استفاده شده است در این تحقیق گروه از دو نمونه کنترل و آزمایش که ۲۰ نفر از زنان متأهل در هر گروه که برای طلاق به مراکز مشاوره دادگستری گرگان مراجعه نموده اند تعیین شده است همچنین در این تحقیق از مطالعات کتابخانه ای جهت جمع آوری ادبیات تحقیق و مبانی نظری استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق کلیه زنان در آستانه طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاوره روانشناختی دادگستری در شهرستان گرگان می باشد. که از این تعداد ۲۰ نفر از زنان متأهل در هر گروه که برای طلاق به مراکز مشاوره دادگستری مراجعه نموده اند بر اساس روش نمونه گیری در دست رس جهت بررسی تحقیق استفاده شده است. روش انتخاب نمونه ابتدا برای شناسای افراد در استانه طلاق از پرسشنامه میزان بی ثباتی ازدواج (احتمال طلاق) استفاده شده است. روش نمونه گیری در دست رس که با توجه از این افراد برای جلسات معنویت درمانی استفاده شده است. همچنین در این تحقیق از پرسشنامه های میزان بی ثباتی ازدواج تعهد زناشویی آدامز و جونز و مقیاس دلدردگی زناشویی CMB برای جمع آوری

اطلاعات استفاده شده است و در این تحقیق از روش های مختلف آمار توصیفی مثل میانگین و واریانس و روش های مختلف آمار استنباطی مثل آزمون کواریانس با کمک نرم افزار آماری Spss با اطلاعات استفاده شده است .

تجزیه و تحلیلی اطلاعات

۴-۱: مشخصات دموگرافیک (جمعیت شناختی)

متغیر	زیر مجموعه	آزمایش		کنترل	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
سن	۱۸-۲۵	۸۰	۱۶	۷۵	۱۵
	۲۶-۳۵	۲۰	۴	۲۵	۵
مدت ازدواج	کمتر از ۱ سال	۴۵	۹	۴۵	۹
	بین ۱-۳ سال	۴۰	۸	۴۵	۹
	بین ۳-۵ سال	۱۰	۲	۱۰	۲
	بین ۵-۱۰ سال	۵	۱	۰	۰
تعداد	۰	۱۳	۶۵	۱۵	۷۵
فرزندان	۱	۶	۳۰	۲	۱۰
	۲	۱	۵	۳	۱۵
مجموع	-	۱۰۰	۲۰	۱۰۰	۲۰

در جدول (۴-۱)، شاخص جمعیت شناختی سن در دو گروه آزمایش و کنترل در متغیرهای مدت ازدواج و تعداد فرزندان مشاهده می گردد.

۴-۲: آمار های توصیفی خرده آزمون متغیر دلزدگی زناشویی

متغیر	گروه	آزمایش		کنترل	
		انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین
دلزدگی	پیش آزمون	۳/۱۶	۱۶/۸۵	۳/۹۹	۱۶/۹۵
جسمی	پس آزمون	۲/۴۵	۱۱/۸۵	۲/۴۰	۱۵/۷۰
دلزدگی	پیش آزمون	۳/۳۰	۳۲/۹۵	۴/۲۴	۳۲/۱۰
عاطفی	پس آزمون	۴/۵۴	۲۶/۹۵	۴/۱۳	۳۰/۷۰
دلزدگی	پیش آزمون	۳/۰۷	۲۸/۳۰	۵/۵۵	۲۸/۲۰
روانی	پس آزمون	۲/۷۵	۲۰/۳۰	۵/۱۷	۲۷/۱۵
دلزدگی	پیش آزمون	۶/۵۱	۷۸/۱۰	۵/۵۰	۷۷/۲۵
زناشویی	پس آزمون	۵/۸۶	۵۹/۱۰	۱۰/۹۹	۷۳/۶۵

با توجه به جدول (۴-۲) داده های توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد داده های حاصل از خرده مقیاس های متغیر دلزدگی زناشویی در دو گروه آزمایش و کنترل در پیش آزمون و پس آزمون را نشان می دهد.

فرضیه تحقیق: معنویت درمانی تاثیر مثبت و معناداری بر دلزدگی زوجین در آستانه طلاق دارد.

برای انجام تحلیل کواریانس چند متغیره (مانکوا) ابتدا مفروضاتی نیازمند به انجام می باشد. ابتدا، برای آزمون این پیش فرض (توزیع طبیعی داده ها) از آزمون M باکس (Box's M) استفاده می شود.

۴-۷: آزمون باکس در همگنی ماتریس کواریانس ها

۹/۴۱۴	آزمون باکس
۱/۴۳۴	تحلیل واریانس
۶	درجه آزادی ۱
۱۰۴۶۲/۱۸۹	درجه آزادی ۲
۰/۱۹۷	معناداری

با توجه به جدول (۴-۷) آزمون باکس، نشان می دهد که سطح معناداری با توجه به درجه آزادی ۱ (۶) و تحلیل واریانس (۱/۴۳۴) بدست آمده از ۰/۱۹۷ معنادار می باشد، که با احتمال زیاد می توان همگونی واریانس ها را پذیرفت، و حداقل شرایط لازم برای تحلیل عاملی وجود دارد.

۴-۸: آزمون لوین (آزمون همسانی واریانس های گروه ها)

متغیر	تحلیل واریانس	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	معناداری
دلزدگی جسمی	۰/۳۶۶	۱	۳۸	۰/۵۸۷
دلزدگی عاطفی	۰/۷۵۴	۱	۳۸	۰/۳۸۷
دلزدگی روانی	۰/۳۵۴	۱	۳۸	۰/۶۲۴
دلزدگی زناشویی	۰/۷۸۵	۱	۳۸	۰/۳۹۷

همان گونه که در جدول (۴-۸) نشان می دهد، با توجه به نتایج تحلیل آزمون لوین و نظر به آن که نتایج بدست آمده از تحلیل واریانس معنادار نمی باشد، به طور کلی، می توان گفت واریانس گروه ها از تجانس برخوردار است.

بررسی شیب رگرسیون: صحت تحلیل کوواریانس بر این فرضیه استوار است که میان شیب رگرسیون متغیر کنترل وابسته در دو گروه تفادت معنی داری نداشته باشد. در تحلیل کوواریانس نمره های باقیمانده متغیر وابسته مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند، وجود اختلاف شیب در دو دسته نمره های باقیمانده، متغیر وابسته را در وضعیت نامعقول و بی معنی قرار می دهد.

۴-۹: نتایج مربوط به بررسی همگنی شیب های رگرسیونی در متغیرهای پژوهش

متغیر	F (پیش آزمون)	معناداری
دلزدگی جسمی	۱/۷۵۴	۰/۲۴۵
دلزدگی عاطفی	۰/۳۶۸	۰/۵۲۴
دلزدگی روانی	۱/۶۵۳	۰/۲۵۶
دلزدگی زناشویی	۱/۱۲۴	۰/۳۵۴

مطابق جدول (۴-۹)، ۱

مقدار F تعامل مستقل و همپراش در مولفه ها بالا می باشد و متعاقبا معنادار نمی باشد، بنابراین می توان نتیجه گرفت پیش فرض همگونی واریانس ها رعایت شده است. به طور کلی مفروضات (پیش فرض های، نرمال بودن و همگونی واریانس ها) تحلیل کواریانس چند متغیره رعایت شده است.

۴-۱۰: نتایج حاصل از تحلیل واریانس چند متغیره بر روی دلزگی زناشویی

نام آزمون	مقدار	تحلیل واریانس	فرضیه درجه آزادی	خطای درجه آزادی	سطح معناداری	توان آزمون
اثر پلائی	۰/۷۱۸	۲۷/۱۵۰	۳	۳۲	۰/۰۱	۱
لامبدایی ویلکز	۰/۲۸۲	۲۷/۱۵۰	۳	۳۲	۰/۰۱	۱
اثر هتلینگ	۲/۵۴۵	۲۷/۱۵۰	۳	۳۲	۰/۰۱	۱
بزرگترین ریشه خطا	۲/۵۴۵	۲۷/۱۵۰	۳	۳۲	۰/۰۱	۱

جدول (۴-۱۰) نتایج حاصل از تحلیل کواریانس چند متغیره بر روی دلزگی زناشویی را نشان می دهد. با توجه به نتایج فوق تمامی آزمون های مانوا (اثر پلائی، لامبدایی ویلکز، اثر هتلینگ، بزرگترین ریشه خطا) در سطح (P < ۰.۰۱) معنی دار است، براین اساس می توان بیان داشت حداقل در یکی از خرده مقیاس ها تفاوت معنی داری وجود دارد.

۴-۱۲: نتایج حاصل از تحلیل مانوا بر روی دلزگی زناشویی

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	تحلیل واریانس	معناداری	توان آزمون	مجذوراتا
دلزدگی جسمی	۸۳/۷۹۸	۱	۸۳/۷۹۸	۴۰/۰۸۸	۰/۰۱	۱	۰/۷۲۱
دلزدگی عاطفی	۷۹/۲۱۱	۱	۷۹/۲۱۱	۱۵/۱۰۴	۰/۰۱	۰/۹۶۵	۰/۵۵۰
دلزدگی روانی	۱۸۹	۱	۱۸۹/۹۳۲	۴۴/۳۵۳	۰/۰۱	۱	۰/۷۹۵
دلزدگی زناشویی	۱۵۱۵	۱	۱۰۱۳/۵۱۵	۶۴/۶۰۸	۰/۰۱	۱	۰/۶۲۰

۱۰۱۳

جدول (۴-۱۲) نتایج این آزمون حاکی از آن است که در مجموع تفاوت معنادار بین خرده مقیاس های دلزگی زناشویی را نشان می دهد. با توجه به تحلیل کواریانس چند متغیره تفاوت معناداری در سطح

($P < 0,01$) وجود دارد، که نشان دهنده ی اثر معنی دار معنویت درمانی تاثیر مثبت و معناداری بر دلزدگی زوجین در آستانه طلاق است.

بحث و بررسی

فرضیه تحقیق : معنویت درمانی تاثیر مثبت و معناداری بر دلزدگی زوجین در آستانه طلاق دارد.

نتایج این آزمون حاکی از آن است که در مجموع تفاوت معنادار بین خرده مقیاس های دلزدگی زناشویی را نشان می دهد. با توجه به تحلیل کواریانس چند متغیره تفاوت معناداری در سطح ($P < 0,01$) وجود دارد، که نشان می دهد معنویت درمانی تاثیر مثبت و معناداری بر دلزدگی زوجین در آستانه طلاق است. بنابر این فرضیه تحقیق تایید می شود.

نتایج این تحقیق با نتایج پژوهش ثناگویی و همکاران (۱۳۹۰) که نشان دادند بین پای بندی مذهبی و نوع الگوهای ارتباطی زوجین رابطه معناداری وجود دارد، همسویی دارد. پای بندی به آموزه های دینی و سلامت معنوی از یک طرف و الگوهای پیوستگی بین اعضای خانواده از طرف دیگر، عواملی در برابر نگرش افراد به ارتباط قبل از ازدواج در زندگی زناشویی است. همچنین در این تحقیق، بین دو متغیر دلزدگی زناشویی و نگرش به ارتباط قبل از ازدواج همبستگی مستقیم و مثبت معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش نگرش مثبت به ارتباطات پیش از ازدواج و به دنبال آن افزایش این گونه ارتباطات در زنان متأهل موجب افزایش دلزدگی زناشویی در زندگی مشترک آینده آنها خواهد شد. این نتیجه با نتایج تحقیقات موسوی و همکاران (۱۳۹۴) همسویی ندارد زیرا که آنها در تحقیق نشان دادند که تعارضات زناشویی، کاهش همکاری زوجین، کاهش رابطه جنسی زوجین و میزان افزایش واکنش هیجانی در دانشجویانی که قبل از ازدواج رابطه داشته نسبت به افرادی که رابطه نداشته اند کمتر است. از طرفی، تحلیل یافته های پژوهش نشان داد که بین دو متغیر، دلزدگی زناشویی و میزان سلامت معنوی همبستگی معناداری وجود ندارد. نتایج این تحقیق با نتایج سایر محققین همسویی ندارد چرا که در نتایج تحقیقات مانند باری و همکاران (۲۰۰۸) بین سلامت معنوی و تعارضات زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. در تبیین نتایج به دست آمده، چنان چه سلامت معنوی را سازه ای روانی به حساب آوریم که گرچه با سازه های روانی دیگر همچون دلزدگی زناشویی و نگرش ارتباط به قبل از ازدواج در ارتباط است اما از متغیرهای دموگرافیک تاثیر پذیری داشته و تفاوت چشمگیری دارد. با توجه به اینکه در پژوهش تاثیر معنادار معنویت درمانی را بر دلزدگی زوجین در آستانه طلاق را نشان می دهد به طور کلی، می توان بیان کرد که معنویت درمانی و نگرش و درک انسان به خداوند و مفهوم و تصویری که از خداوند دارد بر سلامت و پایداری زندگی به خصوص زندگی زناشویی او تاثیر می گذارد. نکته دیگر این که، نوع نگاه به خداوند و تصویری که فرد از خداوند دارد، تحت تاثیر جریان تعلیم و تربیت می باشد. نظام آموزش رسمی و غیر رسمی که بر استحکام خانواده و زندگی زناشویی تاکید دارند، می توانند سبب شکل گیری یک زندگی رضایت بخش را نوید دهند. از این رو، نتایج چنین پژوهش هایی می تواند به

عنوان یک شیوه درمانی در دزدگی زناشویی در زوجین در آستانه طلاق مورد توجه قرار گیرد. دزدگی زناشویی صرفاً شامل تنیدگی های شخصی و بین فردی نمی شود بلکه با مشکلات روانی - اجتماعی زندگی زنان که به طور محسوسی بر سلامتی آن ها تأثیر می گذارد، نیز مرتبط است. مطابق یافته های فوق، می توان به این نتیجه رسید که معنویت درمانی نقش مهمی در زندگی انسان دارد، به شرط آن که معنویت درمانی به صورت نهادینه و درونی در خانواده باشد؛ افرادی که برخوردار از معنویت می باشند، از زندگی هدفمندتری برخوردارند و این معنویت مانند سد محکمی جلوی دزدگی زناشویی را می گیرد و نگرش آن ها به ارتباط پیش از ازدواج نگرشی منفی نگه داشته و میزان این گونه ارتباطات و پیامدهای آن را کاهش می دارد. لذا، با شرکت زوجین در آستانه طلاق در کارگاه های معنویت درمانی، نگرش آن ها نسبت به طلاق منفی شده و میزان گرایش به طلاق در آنها کاهش می یابد.

پیشنهادهای پژوهشی :

- با توجه به نتایج مطالعه ی حاضر، معنویت درمانی در جهت بخشودگی و ترمیم روابط زوجین بر ابعاد مختلف رضایتمندی زناشویی تأثیر گذاشته و می تواند باعث آزاد سازی نیروهایی شود که زمانی برای آزردهی، مرارت و مراقبت از زخم های التیام نیافته صرف می شد. اکنون این نیروها می توانند در عمیق ترین رضایت ها و خشنودی ها یعنی در توانایی دوست داشتن و دوست داشته شدن صرف شوند بنا بر این پیشنهاد می شود که برای افراد در آستانه طلاق دوره های معنویت درمانی برگزار گردد .
- دزدگی از زندگی هزینه های گزاف درمانی و روانی را به جامعه و اعضای خانواده تحمیل می کند. رشد نرخ طلاق و آثار روانی و اجتماعی آن را می توان به عنوان شاهدی برای لزوم رشد شیوه های برای بهبود و ارتقای رضایتمندی زناشویی در نظر گرفت. این معنویت درمانی با عنایت با بافت فرهنگی و در نظر گرفتن بعد معنوی انسان ها می تواند کمک شایانی برای این امر باشد بنابر این می توان از معنویت درمانی در راستای کاهش دزدگی از زندگی به ویژه زوجین در آستانه طلاق بهره برد.
- معنویت درمانی می تواند مشکلات روانشناختی ناشی از ضربه ی خیانت همسر را کاهش دهد و استفاده از این دو رویکرد برای کار با زوجین درگیر با خیانت زناشویی توصیه می شود .
- نتایج این تحقیق نشان داد که اثربخشی رویکرد معنویت درمانی موجب دلبستگی زوج ها شد. این زوج ها در پایان درمان، به طور معنادار پیوستگی بیشتری پیدا کردند و ارتباط بیشتری با هم داشتند. سطح بالاتری از تجربه کردن را کسب کردند. به علاوه افزایش رضایت زناشویی، افزایش سطح اعتماد و دلبستگی بودند بنابر این می توان در بحث های درمانی به ویژه حل اختلافات خانواده ها به ویژه خانواده های در آستانه طلاق این رویکرد بهره برد .
- با توجه به نتایج پژوهش و تأثیر معنویت درمانی بر بازسازی نگرش زوجین در آستانه طلاق، پیشنهاد می شود در جهت ارتقای سلامت معنوی زوجین در آستانه طلاق تلاش های لازم صورت گیرد و تقویت گرایش های معنوی در برنامه های آموزش مهارت های زندگی آنان گنجانده شود.

- با توجه به نتایج تحقیق که بیان می دارد که در خانواده محوری ترین نقش از آن زن و شوهر است که وضعیت روانی آن ها تاثیری اجتناب ناپذیر بر عملکرد این واحد کوچک دارد. تعارضات و نارضایتی از زندگی هزینه های گزاف درمانی و روانی را به جامعه و اعضای خانواده تحمیل می کند پیشنهاد می گردد که کارگاه های معنویت درمانی برای همه خانواده ها توسط دستگاه های ذی ربط بصورت مستمر برگزار شود.

پیشنهادات کاربردی :

- دستاورد این پژوهش اینکه معنویت درمانی باعث افزایش معنادار رضایت زناشویی و کاهش معنادار اضطراب فراگیر زنان می شود. با توجه به نقش معنویت درمانی در افزایش رضایت زناشویی و کاهش اضطراب باید مشاوران و متخصصان در زمینه روش های درمانی و بهداشت روانی به این روش توجه نمایند.

- با کمک به مراجعین جهت افزایش استفاده از روش مذکور می توان این امیدواری را داشت که افراد بهتر بتوانند اضطراب خود را کنترل کنند و با شرایط زندگی سازگار شوند و از زندگی با همسر خود احساس رضایت بیشتری کنند. بنابراین مشاوران و درمانگران می توانند از این روش برای حل مشکلات خانواده ها، کاهش اضطراب و افزایش رضایت زناشویی استفاده کنند تا تحکیم بنیان خانواده را تضمین کنند و در نهایت جامعه ای سالم داشته باشند.

- به نظر می رسد این روش بتواند علاوه بر اختلال های مذکور در درمان اختلال های دیگر مانند اختلال وسواس، اختلال هراس، اختلال های سازگاری و غیره موثر باشد بنابر این می توان از معنویت درمانی در این اختلالات نیز استفاده کرد .

- ضمن این پژوهش به این نتیجه رسیدند که معنویت درمانی در پس آزمون و پیگیری منجر به کاهش معنادار اضطراب شد. در تبیین این یافته می توان گفت آموزش پیش فرض دوم یعنی نگاه مثبت به مسائل زندگی و ارتقا نیتها و هدفها در زندگی باعث می شود که اضطراب فرد به مقدار زیادی کاهش یابد. تبیین دیگر اینکه افراد مذهبی همیشه خداوند را یار و یاور خود می بینند و همیشه می توانند به او توکل کنند که این امر باعث افزایش امیدواری به آینده و کاهش اضطراب فرد می شود. در تبیینی دیگر می توان گفت که با آموزش پیش فرض هفتم یعنی ارتباط مداوم با خدا و اهمیت صبر و جایگاه آن در زندگی و پیش فرض نهم یعنی اهمیت انفاق و گذشت و جایگاه آن در زندگی، افراد یاد می گیرند که هنگام مواجهه با چالش ها و دشواری های زندگی صبر پیشه کنند و گاهی از برخی مسائل پیش آمده به سادگی بگذرند که این امر در نهایت باعث کاهش اضطراب می شود.

منابع فارسی :

- اعتمادی، عذرا (۱۳۹۴) «ایمان و معنویت در مشاوره و رواندرمانی»، فصلنامه تازه های رواندرمانی، سال دهم، ش ۳۵ و ۳۶، ص ۱۴۶-۱۳۱.
- بلقان آبادی، مصطفی (۱۳۹۰) : مقایسه اثربخشی زوج درمانی مثبت‌نگر و معنوی- مذهبی بر بهبود نگرش به فرزند، شادکامی، امید و رضایت از زندگی مادران کودکان با نیازهای ویژه، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: حسین حسن آبادی استاد مشاور : اصغری نگاه، سید محسن دانشگاه فردوسی مشهد - دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی
- جاویدی، نصیرالدین؛ سلیمانی، علی اکبر؛ احمدی، خدابخش؛ صمدزاده، منا. (۱۳۹۲). اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار بر بهبود عملکرد خانواده. مجله علوم رفتاری، دوره ۷، شماره ۲، صص ۱۸۸-۱۸۱.
- دانش، عصمت (۱۳۹۰) : تأثیر روش زوج درمانی اسلامی در افزایش جهت گیری مذهبی، خودشناسی و سازگاری زناشویی زوج های ناسازگار، مجموعه مقالات جوان و آرامش روان، مشاوره و درمانگری با نگرش اسلامی، چ پنجم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه .
- دشت بزرگی زهرا، سواری کریم، صفرزاده سحر (۱۳۹۵) : بررسی اثربخشی معنویت درمانی اسلامی بر احساس تنهایی و اضطراب مرگ در سالمندان مجله روانشناسیپیری : ۱۳۹۵، دوره ۲، شماره ۳، از صفحه ۱۷۷ تا صفحه ۱۶۸
- رضایی، مهدیه؛ یونسی، سید جلال؛ احمدی، خدابخش؛ عسگری، علی؛ میرزایی جعفر. (۱۳۸۹). تاثیر زوج درمانی هیجان مدار بر بهبود الگوهای ارتباطی جانبازان مبتلا به PTSD ناشی از جنگ و همسرانشان. فصلنامه خانواده پژوهی، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۴۳-۵۸.
- سودانی، منصور؛ کریمی، جواد؛ مهرابی زاده هنرمند، مهناز؛ نیسی، عبدالکاظم. (۱۳۹۱). اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار بر کاهش آسیب های ناشی از خیانت همسر. مجله تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۲۶۸-۲۵۸.
- فلاح زاده، هاجر؛ ثنائی ذاکر، باقر. (۱۳۹۱). تعیین میزان اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار و زوج درمانی سیستمی تلفیقی در افزایش سازگاری زناشویی زوج های دارای صدمه ی دل بستگی. مجله مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال ۱۰، شماره ۴، صص ۸۷-۱۱۰.
- فلاح زاده، هاجر؛ ثنائی ذاکر، باقر؛ فرزاد، ولی اله. (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار و زوج درمانی سیستمی تلفیقی بر کاهش اضطراب صمیمیت زوج ها. فصلنامه خانواده پژوهی، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۴۸۴-۴۶۵.
- کرمی جهانگیر، پیری کامرانی مرضیه، کریمی پروانه (۱۳۹۴) : اثربخشی آموزش معنویت درمانی بر سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر، فصلنامه اخلاق : بهار ۱۳۹۴، دوره ۵، شماره ۱

- کرمی، جهانگیر. زکی بی، علی. علیخانی، مصطفی. خدادادی، کامران. (۱۳۹۱). فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده، ۱(۴)، صص، ۴۷۲-۴۶۱.
- کریمی، جواد؛ سودانی، منصور؛ مهرابی زاده هنرمند، مهناز؛ نیسی، عبدالکاسم. (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی زوج درمانی یکپارچه نگر و زوج درمانی هیجان مدار بر علائم افسردگی و استرس پس از سانحه ناشی از روابط فرازنشویی در زوجین. مجله روانشناسی بالینی، سال پنجم، شماره ۳ (پیاپی ۱۹)، صص ۳۵-۴۷.
- لین، لانگ و مارک، یانگ (۲۰۰۷) مشاوره و درمان مسایل زن و شوهری؛ (ترجمه علی محمد نظری و همکاران ۱۳۹۲)، تهران. انتشارات. آوای نور.
- نجاریان پور، سعید؛ بهرامی، فرید؛ اعتمادی، علی (۱۳۸۷). تاثیر آموزش تعهد پیش از ازدواج بر بهبود ویژگی های تعهد در دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی فسا. فصلنامه خانواده پژوهش، سال چهارم. ۱۳، ۸۶-۷۷.

منابع لاتین :

- Amato, P.R., &Hohmann-Marriott, B. (۲۰۰۷). A comparison of high- and lowdistres marriages that end in divorce. *Journal of Marriage and Family*, ۶۲, ۶۲۱- ۶۳۸.
- Bookwal. J. Sobin, J. Zdaniuk, B. (۲۰۰۵). Gender and aggression in marital relationships: A life-span perspective. *Sex Roles*, ۵۲, ۷۹۷-۵۰۶.
- Johanson, S.M. (۲۰۰۳). The revolution in couple therapy. *Journal of Marital and Family Therapy*, ۲۹, ۳۴۸- ۳۶۵.
- Johanson, S.M. (۲۰۰۸). The revolution in couple therapy. *Journal of Marital and Family Therapy*, ۲۹, ۳۴۸- ۳۶۵.
- Johnson, S. M., Bradley, B., Furrow, J. Lee, A. Palmer, G. Tilley, D. &Woolley, S.(۲۰۰۵). *Becoming an emotionally focused couple therapist: Theworkbook*. NewYork: Brunner-Rutledge.
- Johnson, S.M. (۲۰۰۴). *The practice of emotionally focused couple therapy*.NewYork:Brunner – Rutledge.
- Johnson, S.M.Makinen, J. &Millikin, J. (۲۰۰۱) Attachment injuries in couplereationships: A new perspective on impasses in couple therapy. *Journal of Maritaland Family Therapy*, ۲۷, ۱۴۵-۱۵۵.
- Lambert, N. M. &Dollahite, D. C.(۲۰۰۶). *How Religiosity Helps Couples Prevent, Resolve, and Overcome Marital Conflict.*” *Family Relations*۵۵(۴):۴۳۹-۴۴۹.

- Naaman, S., Pappas, J. D., Makinen, J., Zuccarini, D., Johnson, S. D. (۲۰۰۵). Attachment Injured Couples with Emotionally Focused Therapy: A Case Study Approach. *Psychiatry*, Vol. ۶۸, No. ۱, ۵۵-۷۷.
- Puchalski, C. M., Vitillo, R., Hull, S. K., & Reller, N. (۲۰۱۴). Improving the spiritual dimension of whole person care: Reaching national and international consensus. *Journal of Palliative Medicine*, ۱۷(۶), ۶۴۲-۶۵۶. doi:۱۰.۱۰۸۹/jpm.۲۰۱۴.۹۴۲۷.
- Rajagopal, D., Mackenzie, E., Bailey, C., & Lavizzo-Mourey, R. (۲۰۰۲). The effectiveness of a spiritually-based intervention to alleviate subsyndromal anxiety and minor depression among older adults. *Journal of Religion and Health*, ۴۱(۲), ۱۵۳-۱۶۶

